در تاریخ ۰۶ اسفند ۱۳۸۶
آیات الاحکام/ حجاب

جلسه 17

بسم الله الرّحمن الرّحيم
الحمدلله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

ملاحظه فرمودید که مجموعاً نسبت به معنای آیه شریفه ما چهار احتمال دادیم و هر کدام یکی از این احتمالات را هم ذکر کردیم، هم مؤیدات و قرائنی را برایش بیان کردیم.

بلکه ان شاء الله در بحث امروز بتوانیم یك نتیجه گیری روشنی داشته باشیم.

نقد مجدد احتمالات اربعه در معنای آیه شریفه

احتمال اول این بود که ما «غض البصر» را کنایه‌ی از ترك النظر بگیریم، که عرض کردیم مشهور فقهاء از آیه همین معنا را فهمیده‌اند. و حتی بزرگانی از فقهاء مثل مرحوم صاحب جواهر (ره) به اطلاق همین آیه تمسك می‌کند بر این که نظر به وجه و کفین جایز نیست، گاهی تعبیر می‌کنند «علی القوی» و گاهی تعبیر می‌کنند «علی الاحوط» جایز نیست.
در باب نظر به وجه و کفین بین فقهاء سه نظریه بشرح ذیل وجود دارد: 1) عدم جواز مطلقا. 2) جواز مطلقا. 3) نظر اولی جایز است اما نظر ثانیه به بعد جایز نیست.

البته این مسئله مفروغ عنه است که همه فقهاء قائل هستند به اینکه نظر کردن با ریبه و تلذذ قطعاً حرام است؛ اما وقتی نظر کردن من دون ریبة باشد همین سه نظریه فوق وجود دارد. این معنا مبتنی بر این بود که ما اولاً بگوییم (خوب دقت! می‌خواهیم جمع بندی کرده و نتیجه‌گیری نماییم ان شاء الله، ولو انسان به هر نتیجه ی هم برسد نمی‌تواند بگوید این این نتیجه و نظر آخرین کلامی است که در این مسئله گفته می‌شود) طبق احتمال اول «غض البصر» کنایه‌ی از ترك النظر است. یعنی خداوند بصورت مستقیم نظر را حرام نفرموده است آنچه که مقدمه‌ی برای ترك النظر است عبارت است از «غض البصر» است، او را واجب کرده که اگر غض البصر واجب شد نتیجه‌اش این می‌شود که نظر کردن حرام است.

پس این معنا اولاً اشکالش این است که منطوق در آیه شریفه نیست؛ کنایه آورده شده است «غض البصر» از ترك النظر، آن وقت این اشکال اول که این منطوق آیه نیست کجای آیه دارد یحرم النظر یا یجب ترك النظر! ثانیاً کسانی که این نظریه را قائل هستند متعلق نظر را امرأة قرار داده اند ، می‌گویند : «یجب ترك النظر یا یحرم النظر الی المرأة» اشکال دوم این است که کجای آیه کلمه مرأة آمده است؟ آیه می‌فرمایند: «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم» ندارد نسبت به زنها! اشکال سومی که داریم این است کسانی که به اطلاق این آیه استدلال می‌کنند در اصول این بحث مطرح است که اطلاق و تقید وصفان للفظ است، یك لفظی که ذکر می‌شود یا مطلق است و یا مقید اما مخصوصاً در باب مفاهیم دقت بفرمایید، اگر در یك جایی یك فقیهی از یك آیه‌ای یا

یك روایتی مفهوم‌گیری کرد، اما دیگر نمی‌تواند بگوید این مفهوم مطلق یا مقید است، چون مفهوم غیر مذکور در کلام است و اطلاق و تقید وصف برای لفظ مذکور در کلام است، یك لفظی است که می‌توانیم بگوییم مطلق است و می‌توانیم بگوییم مقید است.

بنابر این، در اینجا ترك النظر که در آیه نیامده است؛ اگر بگوییم «غض البصر» کنایه از ترك النظر است (بر فرضی که این را قبول بکنیم) دیگر نمی‌توانیم از نظر صناعی بگوییم ترك النظر اطلاق دارد وجه و کفین را هم شامل می‌شود؛ اطلاق و تقیید وصف برای لفظ مذکور در آیه است، آنی که غیر مذکور در آیه است ما نمی‌توانیم او را متصف بکنیم به اطلاق و تقیید. پس ببینید! اولاً در آیه نیامده است. ثانیاً متعلق که مرأة است روی قول مشهور نیست. ثالثاً اطلاق‌گیری نمی‌شود کرد. رابعاً این «من» تبعیضیه آن وقت چه معنای پیدا می‌کند! وقتی که می‌گوییم «یغضوا من ابصارهم» که ما گفتیم «من » بلا اشکال من تبعیضیه است، ظهور روشن و قرائن روشنی دارد که من «من» تبعیضیه است؛ من تبعیضیه با این معنای اول که ما بگوییم ترك النظر مطلقا تمام قسمت‌های زن.

این نکته را دقت کردید که اگر قول اول را بگیریم دیگر فرقی بین این که این نظر نظر عن لذة باشد، یا عن غیر لذة هم نیست؛ مطلق است آن وقت این تبعیض چه معنا دارد؟

حالا تبعیض دیگر معنا پیدا نمی‌کند وقتی شما می‌گویید نظر به زن آن هم تمام قسمت‌های زن وجه و کفین و همه چیز چه عن لذت و چه عن غیر لذت تبعیض معنا ندارد، پس با « من» تبعیضیه هم سازگاری ندارد، اینها اشکالاتی است که بر معنای اول وارد می‌شود. معنای دوم که افرادی مثل مرحوم آقای خوئی اختیار فرمودند، که اصلاً مرحوم آقای خوئی نسبت به معنای اول تصریح دارند که آیه دلالت بر حرمت نظر مرد به زن ندارد؛ که تااینجا ما هم با ایشان موافق هستیم!

اما می‌فرمایند: آیه دلالت بر این دارد که مرد نسبت به زن (ایشان در این قسمت با قول اول موافق است که متعلق زن است) طمع نداشته باشد وقتی مردی زنی را دید طمع نکند به او، او را کالعدم فرض کند، او را مغفول عنه قرار بدهد. اولاً دقت کنید این معنا نسبت به معنای قبل از یك جهت اخص است و از یك جهت اعم است؛ از جهت اینکه طبق این معنا طمع اختصاص به نظر عن شهودة و عن لذة دارد، در معنای اول گفتیم بین لذت و عدم لذت فرقی نیست، اما اینجا عن شهوة اما از یك جهت این معنای دوم اعم از معنای اول است، و از آن جهت این است که می‌گوییم وقتی طمع به زن حرام است دیگر فرقی نمی‌کند از راه نظر باشد یا غیر نظر، وقتی می‌گوییم آیه «یغضوا من ابصارهم» می‌گوید طمع به زن حرام است، می‌خواهد از راه نظر باشد، می‌خواهد از راه غیر نظر باشد.

البته این اعمیت در کلام مرحوم آقای خوئی ذکر نشده است اما در کلمات بعضی‌ها که این معنای دوم را اختیار کرده‌اند، تصریح کرد ه اند وقتی می‌گوییم طمع به زن حرام است این مطلق است فرقی نمی‌کند از راه نظر باشد یا غیر نظر باشد. به این معنای دوم همان اشکالی که به معنای اول داشتیم می‌آید که کجای آیه دارد یغضوا من ابصارهم بالنسبة به زنها! شما چه قرینه‌ای دارید بر این که مراد غض البصر نسبت به زن است؟

اولاً قرینه‌ی نداریم؛ پس همان اشکالی که آنجا کردیم اینجا هم هست که آیا شما قرینه‌ی دارید بر این که متعلق زن است؟ امرأة است! در صورتی که چنین قرینه ای نیست. ثانیا: اگر بخواهیم یك معنای عامی را بگوییم آیه می‌فرمایند اصلاً طمع داشتن به زن حرام است، که نتیجه‌اش این بشود اگر کسی از راه کتابت نسبت به زنی طمع کرد هذا حرام، حالا اگر کسی خدای ناکرده از راه اینترنت با یك زنی یا از راه نوشتار ارتباط پیدا بر قرار کند ، یا اگر کسی از راه تلفن با یك زنی صحبت کرد عن طمع، طبق معنای دوم تمام اینها می‌شود حرام که اگر نظر نبود ولو از راه کتابت ولو از راه گفتار تمام اینها را آیه حرام می‌کند.

انصافاً باز اگر این کلمه ابصار را بخواهیم بگوییم خصوصیت ندارد، طبق این معنای دوم باید بگوییم نظر و بصر خصوصیت ندارد، آیه می‌گوید قل للمؤمنین که طمع راجع به زنها نداشته باشند این خیلی خلاف ظاهر است که ما بطور کلی از بصر الغاء خصوصیت کنیم وبگوییم آیه یك معنای کلی را دلالت مي کند. راجع به معنای اول یك نکته‌ی رافراموش کردم که عرض کنم این است که در معنای اول بعضی‌ها گفته‌اند آقا این ذلك ازکی لهم که در ادامه آیه آمده است تعلیل است ؛ و از این تعلیل عمومیت را می‌فهمیم؛ تعلیل می‌گوید ذلك ازکی لهم یعنی انفع، اطهر برای مردها اینطور است که چشم شان را ببندند، نگاه نکنند، مطلقا نه لذت و نه عن غیر لذت، نه وجه و نه کفین. جوابش این است که ما قبلاً در آیه جلباب مفصل بحث کردیم که این گونه تعبیرات عنوان علیت را ندارد.

آنجا راجع به ذلك ادنی ان یعرفن فلا یؤذین مفصل بیان شد (اینجا تکرار نمی‌کنیم آن مطالب را)، لذا نمی‌توانیم بگوییم هذا علت تفید العموم؛ نه اصلاً عنوان علیت را ندارد.

در این معنای دوم هم همینطور اگر کسی بگوید از ذلك ازکی استفاده میشود که بصر خصوصیت ندارد، اگر کسی اینطور بگوید، بگوید آقا! خداوند دنبال پاك شدن ما و پاك بودن ماست پس بصر خصوصیت ندارد؛ می‌گوییم این فرع بر این است که این حتماً تعلیل باشد در حالی که این ذلك ازکی نتیجه این کار است عنوان تعلیل را ندارد.

معنای سوم را هم که ما با دقت بر گردانیم به معنای اول و اشکالاتش را هم قبلاً گفتیم، ما یقین داریم که حتی اگر کسی یك نظر غیر استقلالی عن شهوة به زن بکند ،فرض کنید که می‌خواهد خدای ناکرده نظر عن لذة به زن بکند، به آن دیوار بالای سر زن نگاه بکند اما زن را به تبع ببیند، یا اگر زن را در آئینه دید، عن لذت بخواهد نگاه بکند حرام است فرقی نمی‌کند، در حالی که زن دیدنش در آئینه عنوان نظر آلی را دارد. حالا اگر بگوید نه این هم نظر استقلالی است، علی ای حال ما چون یقین داریم در مواردی ولو نظر غیر استقلالی حرام است، یك دکتری می‌خواهد قلب یك زن را معاینه کند حالا بالتبع موی زن را هم ببیند حرام است، عمداً اگر ببیند نه اینکه ضرورت اقتضا بکند لذا این معانی که بیان شد تماماً دچار اشکال است.

نظر حضرت استاد در مورد معنای آیه شریفه

آنچه که انسان می‌فهمد که خیلی معنای روشن برای این آیه شریفه است، همانی است که دیروز هم بیان کردیم، آیه‌ی شریفه بیان می‌کند: «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم»
بر حسب روایاتی که ما آوردیم، که در این روایات «غض البصر» را فرمودند : «معناه» این است که ان لا ینظر احدکم الی فرج اخیه المؤمن، قسمت اول آیه این است مرد مؤمن حق ندارد به عورت مرد مؤمن دیگر نگاه بکند و اگر نگاه کرد حرام است. و یحفظوا فروجهم مؤمن دیگر و مؤمنین دیگر هم برایشان واجب است ستر الفرج کنند یعنی دوتای تکلیف دارند، اینجا دقت کنید اگر ما گفتیم که نظر کردن مؤمن به فرج مؤمن دیگرحرام است، ملازمه ندارد با اینکه او هم باید بپوشاند، در بعضی ازموارد است که می‌گوید نظرکردن حرام است اما بر دیگری وجوب ستر واجب نیست؛ آنهایی که میگویند وجه و کفین استثناء است می‌گویند بر مرد نظر کردن به وجه و کفین حالایا مطلقا یا عن لذة حرام است، حالا اگر یك زنی بداند که دیگری دارد عن لذة به وجه او نگاه می‌کند، اما زن مقلد یك مرجعی است که آن مرجع می‌گوید وجه و کفین استثناء است بر او ستر وجه وکفین واجب نیست.

کما اینکه زنی که می‌داند اگر با چادر بیرون برود و وجه و کفینش را هم بپوشاند اما مردانی هستند که نظر به شهوت به همین ظاهر پوشیده شده او هم می‌کنند باز رفتن بیرون برای او حرام نیست؛ بر دیگری حرام است که نگاه می‌کند. پس از این طرف ملازمه نیست که اگر گفتیم یك مؤمنی به مؤمن دیگرنظر بکند حرام است لازمه‌اش این باشد که بر دیگری ستر هم لازم باشد، چون چنین ملازمه‌ای نیست، نه ملازمه شرعی است و نه ملازمه عادی است، حالا اختیارش با شارع است شارع متعال می تواند

به دیگران هم بگوید به شما حفظ الفرج و ستر الفرج واجب است، می‌تواند واجب نکند اما اینجا آمده واجب کرده است ، می‌فرماید: دیگران هم باید حفظ الفرج بکنند ،بر دیگران هم حفظ الفرج واجب است.

در نتیجه حالا اگر یك مردی نعوذ بالله ستر الفرج نکند در انظار دیگران عورت خودش را مکشوف قرار بدهد دیگری هم به او نگاه بکند هردو مرتکب گناه شده‌اند، هردو مرتکب عصیان و معصیت شده‌اند. پس چون ملازمه وجود ندارد حالا اگر کسی بگوید آقا! از این طرف ملازمه است یعنی چه؟ یعنی اگر بر کسی ستر الفرج واجب شد لازمه‌اش این است که بر دیگری نظر حرام باشد، وقتی می‌گوییم زن باید موی خودش رابپوشاند اگر بر زن پوشاندن سر واجب شد بر مرد هم نگاه کردن حرام است؛ می‌گوییم ما این ملازمه را قبول نداریم! ما الان در فقه دلیل داریم مرد حق ندارد نگاه بکند و زن هم باید سرش رابپوشاند، حالا اگر اول شارع فرموده بود که زن باید موی سر خودش را بپوشاند، ما از کجا می‌فهمیدیم که نظر دیگری به او حرام است؟

اگر دلیل نداشتیم و از این حکم اطلاع نداشتیم! حالا اگر یك زنی موی سرش را نپوشاند ممکن است بگوییم او داردکار حرامی را انجام می‌دهد، مرد هم که آنجا نشسته او کار حرامی انجام نمی‌دهد! بلی ما دلیل داریم که برای طرفین حرام است اما اگر این دلیل رانداشتیم باز می‌گفتیم ملازمه وجود ندارد. پس به نظر ما نه از این طرف ملازمه وجود دارد و نه از آن طرف و روی این حساب است که شارع عنایت به این داشته هردو حکم را آورده است، مرد به مرد نباید به فرجش نگاه کند، دیگری هم باید عورت خودش را بپوشاند.

و در جلسه قبل عرض کردم اگر ما بودیم و همین آیه «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم» هیچ ازش استفاده نمی‌کردیم که نگاه کردن زن به فرج زن دیگر حرام است، آیه بعد آمده « قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن» زن‌ها هم نباید به فرج زن دیگر نگاه کند و هر زنی باید فرج خودش را از زن دیگر مستور نگاه دارد آن وقت این دو آیه را کنار هم بگذاریم یك اولویت قطعیه ازش بدست می‌آید که اگر مرد حق ندارد به عورت مرد نگاه کند، زن حق ندارد به عورت زن نگاه کند، به طریق اولی مرد نمی‌تواند به زن نگاه کند و زن هم نمی‌تواند به عورت مرد نگاه کند، نتیجه این می‌شود آیه فقط در خصوص نظر به عورت است هم آیه اول و هم آیه دوم، اصلاً کاری به اینکه به زن نگاه کند یاخود قیافه زن وجه وکفین زن ارتباطی به اینها ندارد تا ما بگوییم آیه دلالت بر این معنا دارد.

لذا ما باید متعبد باشیم به همین تفسیر ی که در این آیات آمده است ، با این تفسیر کاملاً معنا برای ما روشن می‌شود. در تفسیر کنز الدقائق مرحوم قمی مشهدی، شیخ محمد بن محمد رضا القمی المشهدی که از محدثین و مفسرین معروف هست، تفسیر بسیار خوبی هم هست. روایاتی که در ذیل همین آیه ایشان این روایات را ذکر کرده است.

ایشان چند روایت را در ذیل همین آیه نقل کرده است که «کل آیة فی القرآن فی ذکر الفروج فهو من الزنا الا هذه الایة فانها من النظر» این آیه فقط در مورد نظر است.

بعد آمده یك روایت دیگر آورده فی کتاب الخصال، عن بعض اصحابنا، عن ابی عبدالله (ع) قال: « قلت له ما للرجل ان یری من المرأة اذا لم تکن له بمحرم؟ ـ مرد چه مقدار از زن را اگر آن زن محرم او نباشد می‌تواند ببیند؟ فرموده ـ وجه و کفین و قدمین» این روایت چه ربطی به این آیه دارد؟

باز در روایت بعد قال النبی لامیر المؤمنین (ع) یاعلی اول نظرة لك و الثانیة علیك این حرفی که معروف است نظر اول حلال است و نظر دوم حرام ایشان در اینجا ذکر کرده است.

بعد تعابیری دارد که البته روایت مفصلی است، پیامبر نصایحی به امیر المؤمنین فرمود، دارد: « اربعة لا یشبعن من الاربعة

الارض من المطر و العین من النظر ـ چهار چیز است که از چهار چیز سیر نمی‌شود، زمین از باران، چشم از نگاه کردن، اینها روایاتی که باید قسمت‌های مناسب دیگری از آن آورده بشود اینجا ارتباط به این ندارد؛ حتی بعضی از فقهاء مثل ابن ادریس و علامه به قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم تمسك کردند که حتی نگاه کردن به زنهای اهل ذمه حرام است.

ملاحظه فرمودید معنای آیه همانی است که ما به آن رسیدیم، یعنی انسان نفسش اطمینان پیدا می‌کند که معنای آیه همین است. اشکالات آن سه معنای اولی را بیان کردیم، حالا این مقداری است که ما توانش را داشتیم خداوند خودش آگاه است به این که معنای آیه چیست؟! انشاء اللّه درس آیات الاحکام را روز دو شنبه دوم ربیع الاول شروع می‌کنیم.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین.